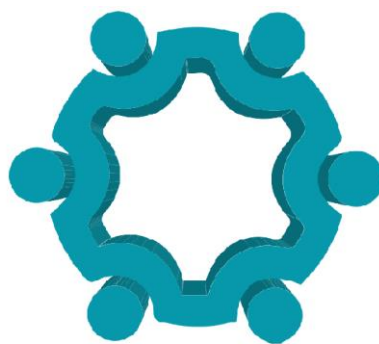


بسمه تعالی



همایون پیشرفت بکلیه ایرانیک



عنوان طرح: سند مطالعاتی توسعه رسته دام سبک (بارویکردزنجیره ارزش)

نام و نام خانوادگی مجری طرح: سجاد حمیدی نیا

مدت اجرای طرح: ۴ ماه

محل اجرای طرح: کل کشور

دی ۱۴۰۱

مقدمه

امنیت ملی شامل قلمروهای مختلفی از جمله امنیت غذایی است که امروزه ارتقا ضریب امنیت غذایی یکی از خواسته های اصلی نخبگان سیاسی کشورهای جهان می باشد و حتی این امر در کشورهای صنعتی از حساسیت فراوانی برخوردار است و یارانه های قابل توجهی را برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی در بخش کشاورزی هزینه می نمایند. بعنوان مثال کشورهای صنعتی اروپایی روزانه یک میلیارد دلار صرف یارانه های تولید بخش کشاورزی می کنند تا امنیت غذایی آنها مورد تهدید قرار نگیرد.

بر اساس گزارش سازمان جهانی خواربار و کشاورزی در ۲۵ سال آینده با برآورد جمعیت جهان بالغ بر ۹ میلیارد نفر، نیاز غذایی به سه برابر افزایش می یابد. در حالی که عوامل تولید یعنی آب و خاک و انرژی متناسب با آن رشد نخواهد کرد. اگر چه برخی عوامل تولید قابل افزایش هستند اما در مقابل برخی عوامل تولید هستند که در حال کاهش می باشند. به همین دلیل امنیت غذایی مورد توجه تمام دنیاست و دستیابی به عرضه با ثبات مواد غذایی و تامین مناسب امنیت غذایی جامعه از جمله اولویت های راهبردی هر کشور است.

در ایران نیز که در سال های پس از انقلاب اسلامی همواره به مقوله خودکفایی در محصولات کشاورزی تاکید می شده و آن را در قانون برنامه های توسعه مد نظر قرار داده، به امنیت غذایی توجه فراوانی داشته و خواهان افزایش ضریب آن بوده است. با این حال و به رغم تاکیدهای مختلف و حساسیت های ویژه برای نیل به آن، امنیت غذایی در جمهوری اسلامی از ضریب مناسبی برخوردار نمی باشد. امنیت غذایی یکی از وجوه مهم امنیت ملی است، بدین معنا که عرضه یک سطح بهینه امنیت ملی، مستلزم تدارک سطح بهینه امنیت غذایی می باشد.

بخش کشاورزی به دلیل اتکا به منابع داخلی و هم افزایی با اقتصاد مردمی، در شرایط بحرانی از ثبات بیشتری برخوردار، و تاثیرپذیری آن از تحولات بیرونی کمتر است و از این رو نقش اساسی در اقتصاد مقاومتی ایفا می نماید. از آنجا که تامین نیازهای غذایی و عدالت اجتماعی در گرو توسعه همه جانبه بخش کشاورزی بوده و تامین نیاز سایر بخش ها دارد، ثبات و استمرار رشد کشاورزی را می توان از عوامل عمده ی کمک کننده به ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی جامعه به شمار آورد.

نخستین و مهمترین وظیفه بخش کشاورزی، تامین غذا و امنیت غذایی برای جامعه است با افزایش جمعیت، تقاضا برای محصولات غذایی و از جمله برای تولیدات دامی افزایش می باشد و بدیهی است که به منظور تحقق امنیت غذایی، توجه به توسعه و تقویت این زیربخش مهم در کشور اهمیت بسزایی دارد. در بین بخش های مختلف کشاورزی، دامپروری دارای اهمیت ویژه ای است. چرا که در سبد غذایی مصرف کنندگان آنچه بیش از هر ماده دیگر، حلقه ی تغذیه انسان را کامل می کند، مواد پروتئینی به خصوص نوع حیوانی آن است که می بایست آن را در بخش دامپروری به عنوان یکی از زیرشاخه های بخش کشاورزی جست و جو کرد.

۱. بیان مسئله :

تامین مواد غذایی همواره یکی از دغدغه های اصلی دولت ها بوده است. وابستگی در تامین مواد غذایی اساسی خانوار خود معظلی است که از آن به عنوان چالشی جدی برای دولت ها می توان یاد کرد. چالشی که گاهاً به مشکلی امنیتی تبدیل شده و سلامت جامعه را تحت شعاع قرار می دهد. پایداری در تامین مواد غذایی سالم برای جامعه که از آن با عنوان امنیت غذایی نیز یاد می شود، یکی از مولفه های پیشرفت و خود اتکایی هر کشوری است.

گوشت قرمز به عنوان یکی از اعضاء اصلی این سبد، منبع اصلی تامین پروتئین بدن انسان بوده که نقش بسزایی در سلامت آحاد جامعه دارد. متأسفانه در سال های اخیر بواسطه افزایش قیمت شدید این کالا در سطح جامعه، مصرف آن بطور چشمگیری بویژه در دهک های پایین جامعه، علاوه بر نیاز مبرم، کاهش یافته که موجب حذف آن از سبد غذایی خانوارها شده است به طوریکه سرانه مصرف گوشت قرمز از ۱۲ کیلوگرم در

سال ۱۳۹۷ به ۶ کیلوگرم در سال ۱۴۰۱ رسیده است. این مشکل بی شک لطمات جبران ناپذیری به سلامت جسم و روان آنان وارد خواهد آورد. فراوانی و داشتن قیمت مناسب سبب می شود تا اقشار متوسط و پایین جامعه که رفاه آن ها همواره مورد توجه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بوده است بتوانند از این محصول بهره مند شود. این مهم جزء با افزایش تولید که موجبات افزایش سطح دسترسی و کاهش قیمت را فراهم خواهد آورد، محقق نخواهد شد.

دام سبک با جمعیت حدود ۶۰ میلیون راسی تولید ۴۵ درصد گوشت قرمز کشور را بر عهده دارد. در حالی یک میلیون بهره بردار در این صنعت فعالیت می کنند که بیش از ۹۵ درصدشان به لحاظ اندازه خرد مقیاس (زیر ۱۰۰ راس) تلقی می شوند. بدلیل سطح پایین دانش تخصصی و به روز نبودن، بهره وری غالب این صنعت در مقایسه با میانگین جهانی بسیار پایین می باشد. (بعنوان مثال میانگین راندمان بره دهی در حالی در کشور به ۷۰ درصد می رسد که میانگین جهانی آن ۱۱۲ درصد و در کشورهای پیشرو به ۲۰۰ درصد هم می رسد)

سطح پایین بهره وری تولید در این صنعت، کاهش درآمد برای بهره برداران و اتلاف منابع طبیعی (آب و خاک و مرتع) را برای کشور به همراه دارد. متأسفانه در طی دو سه سال اخیر تشدید خشکسالی، افزایش چند صد درصدی قیمت نهاده های دامی، حذف یکبهارارز دولتی از نهاده های دامی از مهمترین چالش های پیش روی این صنعت بوده است. همچنین در اثر تورم و فشار اقتصادی، سرانه مصرف گوشت قرمز با کاهش ۵۰ درصدی مواجه بوده است. با پیشی گرفتن عرضه از تقاضا، گوشت قرمز به کمتر از قیمت واقعی خود در بازار عرضه گردید و بیش از پیش بر زبان دامداران افزود و دامداران به ناچار مبادرت به حذف گله های مولد و خروج از صنعت شدند. به نحوی که برآورد کارشناسان نشان از حذف حداقل ۲۰ درصدی جمعیت دام مولد کشور در طی دو سال اخیر دارد.

با توجه به اینکه دولت ها همواره حامی منافع مصرف کنندگان بودند، اقدامی در جهت حمایت از دامداران و واقعی شدن قیمت گوشت قرمز و به تعادل رسیدن عرضه و تقاضا (مانند مجور صادرات دام مازاد) انجام نداده است. بدون شک پس از به تعادل رسیدن عرضه و تقاضای دام، گوشت قرمز به قیمت واقعی خود خواهد رسید، اما در این مدت شاهد حذف خیل عظیمی از دامداران و عشایر و مهاجرت شان به حاشیه شهرها بود که تبعات اجتماعی ناشی از آن غیرقابل جبران می باشد.

لذا بمنظور حذف بهره برداران موجود، تامین امنیت غذایی کشور در محصولات پروتئینی می بایست توسعه رسته ملی دام سبک مبتنی بر یک مدل و الگوی جامع در دستور کار دولت قرار گیرد تا با ارتقای میانگین افزایش بهره وری تولید این صنعت در کشور، کسب و کار از پیش غیراقتصادی و زیانده دام سبک به یک کسب و کار اقتصادی تبدیل گردد.

۲. اهداف اصلی طرح :

تدوین خط مشی و ارایه راهکار به منظور:

- افزایش راندمان تولید
- افزایش تولید گوشت قرمز از دام سبک
- ایجاد امنیت در تامین پروتئین سبد غذایی خانوار
- حفظ و بهبود مراتع، به عنوان یک سرمایه ملی
- کاهش وابستگی به نهاده های دامی

۳. اهداف فرعی طرح :

- افزایش سطح معیشت دامداران
- ایجاد اشتغال پایدار در جوامع روستایی
- توجه به سلامت جامعه با تامین گوشت قرمز سالم از دام سبک

۴. اهداف کاربردی:

ارایه برنامه ای علمی و کاربردی در قالب چارچوبی مدون به منظور افزایش راندمان تولید و تامین امنیت غذایی محصولات پروتئینی کشور.

۵. نوع طرح:

بنیادی ○ کاربردی ● توسعه ای ○

* پژوهش بنیادی: پژوهشی است محض که عمدتاً فاقد نتیجه علمی فوری است.

* پژوهش کاربردی: پژوهشی است که نتایج حاصل از آن در رفع نیازها و حل مشکلات به کار آید.

* پژوهش توسعه ای: عمدتاً متوجه نوآوری در فرآیند و ابزارها و محصولات است.

۶. مدل‌سازی تحقیق:

الگوی توسعه زنجیره‌های ارزش، مفهومی تثبیت شده در سطح حکمرانی و سیاست‌گذاری در راستای اشتغال‌زایی و بهبود شاخص‌های اقتصادی است. زنجیره ارزش با افزایش ظرفیت اقتصادی و اشتغال مناطق از طریق رشد مستعدترین رشته‌های صنعت/کسب‌وکار به بهبود فراگیر شاخص‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی در سطح یک کشور می‌انجامد. بدین منظور، سیاست‌هایی در راستای حمایت از بخش خصوصی، تسهیل انجام کسب‌وکار و مقررات‌زدایی در راستای شتاب‌بخشی به کسب‌وکارها، آسان‌سازی مراحل اداری و حذف مقررات زائد بر مبنای تحلیل کلیت زنجیره ارزش اتخاذ می‌شود. هدف از این سیاست‌ها، تسهیل کسب‌وکارها در بالاترین سطوح ممکن با تأکید بر فعالیت‌هایی که ارزش افزوده بالاتری دارند و هم‌گام‌سازی و اصلاح مقررات با زنجیره‌های ارزش در مراحل راه‌اندازی، تولید، شبکه‌سازی و توزیع است. علاوه بر این، سیاست‌گذاری در حوزه دسترسی به اعتبار منطبق با الگوی زنجیره ارزش، در راستای کاهش هزینه‌های مالی بنگاه‌ها و بهینه‌سازی درونی روابط زنجیره بوده و به واسطه اعتباربخشی به محصولاتی که تقاضا و ارزش افزوده بالاتری دارند، ریسک تخصیص اعتبار به کسب‌وکارهای منفرد را کاهش داده و منجر به ارتقای رقابت‌پذیری درون زنجیره ارزش می‌شود. دسترسی به اعتبار در هماهنگی با الگوی زنجیره ای، این فرایند را عقلانی کرده و هدر رفت اعتبارات و تسهیلات را به پایین‌ترین حد می‌رساند.

اما وجه بارز و مهم‌تر مداخله بر مبنای تحلیل زنجیره‌های ارزش به اهمیت این روش در پیاده‌سازی اثربخش اقدامات توسعه‌ای مربوط می‌شود. روش‌های توسعه‌ای طراحی شده بر مبنای تحلیل زنجیره ارزش، با در نظر گرفتن وضع توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود در منطقه، رشته یا گروه اجتماعی هدف از یک طرف و امکان‌پذیری اقدامات توسعه‌ای با توجه به ساختار حاکمیتی زنجیره و منافع ذی‌نفعان مختلف در کنار سودها و رانتهای اجزای مختلف زنجیره، سیاستها و برنامه‌های اجرایی را پیگیری می‌کنند که امکان موفقیت بیشتری دارند. در مرحله اجرا و پیاده‌سازی نیز در ترکیب با روش‌های به روز در زمینه ارزیابی و پایش امکان تحقق اهداف پروژه و اصلاح و تکمیل آن فراهم می‌گردد.

تجربه اجرا پروژه‌های توسعه زنجیره ارزش نشان داده است که در فاز بعدی امکان اتصال زنجیره‌های کسب و کار داخلی به زنجیره ارزش جهانی میسر بوده که در این حالت پایداری توسعه و پایداری کسب و کارهای متصل به این نوع زنجیره‌های ارزش عمودی، ارتقاء ویژه ای یافته و ماحصل آن رشد اقتصادی ملی و رشد بهره‌وری و افزایش صادرات ملی خواهد بود.

کشورهای در حال توسعه برای ورود به زنجیره ارزش جهانی مزیت‌های تعیین‌کننده‌ای همچون نیروی کار ارزان و دسترسی به مواد اولیه و حمل‌ونقل ارزان را دارند، اما از سوی دیگر ممکن است با توجه به سیاست‌گذاری‌های نابجا مبنی بر فقدان رویکرد یکپارچه‌نگر و دخالت متعین-های بیرونی بر مقررات‌گذاری‌ها با محدودیت‌های نهادی از جمله جنبه‌های مالی، توزیعی و تولیدی مواجه شوند. بسیاری از کشورها با چشم-داشت به موفقیت اقتصادهای درحال ظهور درون زنجیره ارزش اقدام به تعمیم الگوی زنجیره ارزش در رشته‌های مشخصی نموده‌اند که اتصال به زنجیره ارزش جهانی را امکان پذیر کرده است. بنا به گزارش WEF، کاهش محدودیت‌های زنجیره تأمین که به ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط تعیین‌کننده هستند در افزایش تولید ناخالص ملی تاثیر چشمگیری دارد. افزایش رقابت‌پذیری با کاهش محدودیت‌های زنجیره تأمین

رابطه عکس دارد، و افزایش قوانین محدودکننده، سهم کشورها را در زنجیره ارزش جهانی کاهش می‌دهد.

در نهایت بعد مهم دیگر روشهای توسعه ای مبتنی بر تحلیل زنجیره‌های ارزش، مشارکتی و مبتنی بر نیاز و اعتماد و همکاری مردم بودن آنهاست. روشهای مشارکتی معمولاً به اتصال به فرآیندها و ساختارهای بزرگتر که علت‌های بنیادین ناکارآمدی‌ها هستند نمی‌پردازند و اقدامات محلی در سطح روستا یا شبکه‌ای از خانوارها و افراد و کسب‌وکارهای خرد را دنبال می‌کنند. اما در ترکیب با تحلیل زنجیره ارزش امکان هدف-گذاری‌های بلندتر برای ایجاد تحول نهادی، کارکردی و ساختاری فراهم شده و جهت استراتژیک مداخلات تأمین می‌گردد. به عنوان نمونه در رویکردهای پیشین، اقداماتی نظیر اعطاء تسهیلات به روستاییان و یا حتی اقدامات پیشرفته تر نظیر توانمند سازی آنها به تنهایی نمی‌تواند منجر به پیشرفت پایدار منطقه ای و اشتغال پایدار گردد و در بهترین حالت منجر به ایجاد اشتغال معیشتی و ضعیف و عمدتاً موقت می‌شود حال آنکه ترکیب توانمند سازی مبتنی بر زنجیره‌های ارزش و در ترکیب و اتصال به زنجیره‌های محلی و ملی و شرکتهای موثر در سطح بین المللی می‌تواند یک بنگاه کوچک روستایی را در رشد اقتصادی کشور سهیم نموده و جزیی از زنجیره ارزش صادرات کالا نیز به شمار آید. در صورت حصول چنین رویکردی می‌توان به رشد همزمان اقتصادی و رشد اشتغال پایدار که در اصطلاح به آن رشد فراگیر گفته می‌شود، دست یافت.

۷. روش اجرایی:

برای انجام تحلیل زنجیره ارزش لازم است که با استفاده از روندها، میزان واردات و صادرات، قیمت‌ها، عملکردها، شاخص‌های اقتصادی، نظام سیاست تجاری و ...، موقعیت کشور در اقتصاد جهانی در آن رسته مشخص شده و در گام بعدی موقعیت کشور در بازار آن مورد تحلیل قرار گیرد تا مبنایی محکم برای درک و فهم موضوعات مربوطه و روند صنعت/کسب‌وکار در کشور و بازارهای ملی، منطقه‌ای و جهانی به دست آید. در این قسمت به پرسش‌هایی نظیر روند بازار، روند قیمت محصول نهایی، ورودی‌های اصلی خام و واسطه، ساختار فعلی صنعت و بازار، سطوح رقابت و موانع ورود و خروج، بازارهای نهایی، کانال‌های بازار، تأمین‌کنندگان و بازارهای کلیدی، روند فناوری‌های کلیدی رسته، اثر قوانین بر صنعت و روند آن و ... پاسخ داده می‌شود. علاوه بر آن، جایگاه کنونی و جایگاه کشور در صورت اجرای شدن رفع محدودیت‌های زنجیره ارزش هر رسته بررسی می‌شود؛ همچنین سیاست‌های رقابت‌پذیری کشورهای موفق منطقه، و روند و رویکردهای سیاست‌های جهانی بررسی شده و قیمت عوامل دخیل و سهم آنها از بازار بین المللی و داخلی مشخص می‌شود. پس از آن مطالعات در سطح ملی و منطقه ای و مبتنی بر مزیت‌های هر منطقه بررسی و تدوین شده و چارچوب مداخلات در هر رسته بر مبنای استراتژی توسعه رسته تعیین می‌گردد. در تدوین کلیه مراحل فوق از روشهای مصاحبه و جلسات با ذینفعان مختلف زنجیره ارزش از بخش خصوصی و صاحبان کسب و کارها، تا نهادها و انجمن‌ها و اتحادیه‌های مرتبط تا سازمان‌ها و دواير دولتی و نهادهای حکومتی و دیگر اثرگذاران بر زنجیره، اطلاعات جمع‌آوری و سپس با پایگاههای داده و آماری و اطلاعات کتابخانه‌ای، بررسی و اسناد بالادستی در حوزه‌های مختلف نیز مورد توجه قرار گرفته و در نهایت با روشهای علمی و آماری و همچنین روشهای کیفی، تحلیل و مورد ارزیابی و در نهایت تحریر و تدوین مطالعه انجام می‌گردد.

۸. خروجی و دستاوردهای مورد نظر:

- ۱- انجام مطالعات شناختی
- ۲- ارائه راهبردها، سیاست‌ها، اقدامات اجرایی
- ۳- ارائه برنامه عملیاتی برای توسعه رسته

۹. مدت زمان مورد نیاز:

مدت زمان مورد نیاز بر اساس جدول ذیل ۴ ماه شمسی می‌باشد.

زمانبندی اجرای طرح				
شماره فاز	شماره فاز	زمان شروع	زمان پایان	بودجه (ریال)
فاز ۱	فصل اول: مقدمه ، تشریح امنیت غذایی، بررسی اسناد بالادستی و قوانین فصل دوم: بیان مسئله، جایگاه گوشت قرمز در امنیت غذایی و سلامت، وضعیت تقاضا و عرضه گوشت قرمز، منابع تامین گوشت قرمز، چرایی انتخاب دام سبک، اهمیت به لحاظ توسعه رسته دام سبک) فصل سوم: بررسی اجمالی رسته دام سبک در سطح بین المللی و ملی (عرضه ، تقاضا، واردات و صادرات، حجم تولید و فروش، بررسی روندها، مواد اولیه ، سرانه و ...)	۱۴۰۱/۰۹/۲۰	۱۴۰۱/۱۱/۲۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
فاز ۲	فصل چهارم: تحلیل زنجیره ارزش فصل پنجم: بررسی مسائل استراتژیک توسعه رسته	۱۴۰۱/۱۱/۲۱	۱۴۰۱/۱۲/۲۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
فاز ۳	فصل ششم: اولویت بندی مسائل و راهکارها ، ارائه برنامه عملیاتی	۱۴۰۱/۱۲/۲۱	۱۴۰۲/۰۱/۲۰	۵۰,۰۰۰,۰۰۰
جمع کل : دو میلیارد و پانصد میلیون ریال				۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰

۱۰. بودجه مورد نیاز طرح :

دو میلیارد و پانصد میلیون ریال می باشد.

۱۱. مشخصات مجری و همکاران :

نام و نام خانوادگی مجری طرح: سجاد حمیدی نیا				
فرزند: فیروز				
متولد: ۱۳۵۹				
تلفن همراه: ۰۹۱۲۳۲۶۶۲۷۸				
آدرس: تهران، سعادت آباد ، بلوار فرحزادی، نبش مجتمع پرستو، پلاک ۲۹، واحد ۳۵.				
جدول سوابق علمی و اجرایی مجری و همکاران				
ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت همکاری	درجه تحصیلی	رشته تحصیلی
۱	سجاد حمیدی نیا	مجری	کارشناسی ارشد	مدیریت بازرگانی
۲	هرمز منصوری	همکار	دکتری	تغذیه نشخوارکنندگان
۳	داوود علی ساقی	همکار	دکتری	اصلاح نژاد دام
۴	محمد رباطی بلوچ	همکار	کارشناسی ارشد	دامپروری
۵	بهرام افشار حمیدی	همکار	دکتری	دامپروری
سوابق اجرایی و علمی				
پژوهشگر و عاملیت پروژه های توسعه ای				
هیئت علمی موسسه تحقیقات علوم دامی کشور				
هیئت علمی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی خراسان رضوی				
رییس ایستگاه اصلاح نژاد کردی خراسان شمالی				
هیئت علمی مرکز آموزش و تحقیقات و آموزش کشاورزی آذربایجان غربی				